

بود که «دیگر مصرف نکند، اما پایان این تصمیم، شش ماه بستری در بیمارستان بود؛ پس از آتش‌سوزی‌ای که او را با ۷۸ درصد سوختگی از سالن کمپ بیرون کشید. امید به «هم‌میهن» از ساعت ۵ صبح آن‌روز می‌گوید که «آنجا را آتش زدند؛» من در اتاق بودم و نتوانستم به بیرون فرار کنم. گیر کرده بودیم و همین شد که بیشترین سوختگی در بین کسانی که زنده ماندند، نصیب من شد؛ ۷۸ درصد سوختگی.»

او از وضعیت شب حادثه می‌گوید: شبی که بسیاری از ساکنان کمپ، با قرص خوابیده بودند: «در کمپ به افراد قرص خواب می‌دهند که درد کمتری بکشند و بیشتر افرادی که آن‌روز در کمپ بودند آن شب قرص خواب خورده بودند. نتوانستند بیدار شوند و در آتش سوختند. خواب من سبک است و توانستم بیدار شوم،» هزینه اقامت در کمپ برای هر دوره ۲۱ روزه، چهار میلیون تومان بود؛ مبلغی که «به‌غیر از خرج‌های وسیله‌هایی بود که خودمان باید می‌خریدیم؛ وسایلی مثل خوراکی، مسواک، ملحفه‌و…» امید می‌گوید ظرفیت کمپ ۳۰ نفر بود اما خیلی بیشتر از این تعداد افراد نگهداری می‌شدند: «حتی تخت هم به اندازه کافی نبود و کف خواب بودیم، همان صبح حادثه من روی زمین خوابیده بودم. اصلاً اینکه افراد در کمپ‌ها روی زمین بخوابند قانونی نیست، باید حتماً در اتاق یا بخوابند. اما جا کم بود و مجبور بودیم در سالن بخوابیم.» امید در روایت خود از فقدان ابراه‌های ایمنی می‌گوید: «هیچ کیسولی در دسترس مان نبود که بتوانیم استفاده کنیم، گذاشته بودند بیرون و به دردمان نخورد. تاریخ مصرف‌شان هم گذشته بود.» پس از حادثه، هزینه‌های سنگینی بر دوش او و خانواده‌اش افتاد: «هزینه بیمارستان را پرداخت کردند اما تمام پانسمان‌ها، داروها و جفت جنین‌هایی را که برای سوخته‌شدگان استفاده می‌شود، خودمان خریدیم. حدود یک‌میلیارد تومان تا الان خرج کرده‌ام. ما خانواده خیلی پولداری نیستیم، زمین فروختیم تا پول در مانم را تأمین کردم.» آسیب‌های جسمی، زندگی امید را از چند جهت محدود کرده است: «الان کار زیادی از من بر نمی‌آید. کل بدنم سوخته، دست‌هایم، پاهایم؛ فقط صورتم سالم مانده. دکتر گفته به هیچ وجه نباید آفتاب به بدنم بخورد و سرمای شدید. حداقل می‌توانستند به کسانی که زنده ماندند کمک هزینه بدهند که در خرج روزانه‌شان نمانند. حتی به هیچ کدام از مادی‌های پرداخت نشد، وضعیت اقتصادی خانواده تمام کسانی که در کمپ بودند، متوسط رو به پایین است.» به گفته امید سیفی، پرنده این حادثه هم همچنان معلق مانده است: «الان می‌گویند پرنده به تهران ارسال شده؛ ما خودمان در چندین جلسه دادگاه در لنگرود و رشت شرکت کرده‌ایم و هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده.»

۴۴ روز امید، یک لحظه آتش

«بچه من قلدبلد و کشیده بود، دست بچه من کجاست؟ پای بچه من کجاست؟» این جمله‌ای است که «آسیه وطنی»، مادر «مهراب فالاح خیرخواه»، بارها و بارها در دوسال گذشته از خودش پرسیده؛ دو سالی که آن را «زندگی در جهنم» توصیف می‌کند. آسیه وطنی به «هم‌میهن» می‌گوید، مسئولان کاری برایشان نکرده‌اند و «جگرشان را سوزانده‌اند.» صبح حادثه، جمعه بود؛ آسیه وطنی هرروز ساعت پنج صبح بیدار می‌شد و بعد از نماز، گوشه‌ی‌اش را چک می‌کرد. «دوروز قبل رفته بودم پیش بچهام، دوباره شهریه را پرداخت کردم و گفتم ۱۵ روز دیگر می‌آیم دنبالت.» اما آن‌روز گوشه‌ی را باز نکرد. «ساعت ۸ بیدار شدم، برادرم زنگ زد و گفت: آجی، کمپ کجاست؟ آدرس دادم. یک‌ربع بعد استاد کاشی کارش زنگ زد. به‌محض دیدن اسم‌اش روی گوشه‌ی، فهمیدم خبری شده؛ یا بچه‌ام را کشته‌اند یا فرار کرده.»

وقتی پرسید چه شده، به او گفتند «یک کمپ آتش گرفته» و حدس زد که همان کمپ است. می‌گوید: «دیگر چیزی نفهمیدم.» همراه همسرش به محل رفتند و به گفته‌ او «دیدیم وایلای وایلاست؛ بچه‌ها هیچ کدام نبودند.» وقتی آنان رسیدند، آتش خاموش شده بود و آمبولانس‌ها و آتش‌نشانی حضور داشتند. همسر آسیه، که کارمند بیمارستان بود، به‌محل منتقل شدگان رفته بود اما «دیده بود هیچ‌کدام از بچه‌ها آن جا نیستند؛ آنها را برده بودند رشت.» خانواده هم فوراً راهی رشت شدند. آن جا به آنان گفته شد، کشته‌ها را به «باغ رضوان» فرستاده‌اند. پس از آن در باغ رضوان شنیدند که اجساد به پزشکی



بررسی‌های «هم‌میهن» نشان می‌دهد

مالک کمپ بعد از آتش‌سوزی بازداشت شده و در زندان سکنه و فوت کرده است. حکم قضایی هنوز برای این پرونده صادر نشده و بعد از دو سال، متهمی که الان در زندان است ۷۵ درصد مقصر و رئیس کمپ ۲۵ درصد مقصر شناخته شده‌اند. خانواده‌های کشته‌شدگان این حادثه می‌گویند، پرونده هنوز در دادگستری جریان دارد و این باتکلیفی داغ‌شان را زنده نگه داشته: «تمام مقصران باید بازخواست شوند.»

قانونی منتقل شده‌اند. اما شناسایی ممکن نبود: «می‌گفتند چندتا فراری داریم، می‌گفتم بچه من یکی از آن‌هاست.» پزشکی قانونی به آنان گفت چون جمعه است، لیست نداریم، باید فردا بیایید برای آزمایش دی‌ان‌ای: «تلفن من که زنگ می‌زد، می‌گفتم این بچه من است، به هوش آمده و دارد زنگ می‌زند. جواب دی‌ان‌ای که آمد، دیدم بچه من هم جزو سوخته‌هاست.»

پسر او ۲۲ سال داشت و یک‌سال ونیم از خدمت سربازی‌اش گذشته بود و مدتی بوده او متوجه تغییراتی در رفتار مهراب شده بود: «چشم‌انش قرم‌مز بود، به او شک کرده بودم.» او به پرسرش گفته بود: «من زحمت کشیدم، نمی‌گذارم کار به جاهای باریک بکشد، تورا می‌فرستم کمپ.» آسیه وطنی که مادری شاغل است، بچه‌هایش را از روستا با هزار زحمت به شهر برده تا آینده خوبی داشته باشند و همین هم‌شد که ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۲ مهراب را به کمپ برد. مهراب تا روز فاجعه، ۴۴ روز در آن جا مانده بود. اما مادر از وضعیت داخلی کمپ بی‌خبر بود: «یک مدرسه کهنه و فرسوده بود. بیرونش هم یک اتاقک بود که آنجا می‌ماندیم و هرکسی فرزندش را می‌دید و با هم صحبت می‌کردیم.» بعدها مشخص شد که کمپ گنجایش ۳۰ نفر را داشته اما حدود ۵۰ نفر در آن نگهداری می‌شده‌اند: «خبر نداشتیم، بعدها همکاران مرکز بهداشت گفتند که وقتی برای بازدید می‌رفتیم اول اینکه اجازه نمی‌دادند، بعد هم اینکه از نظر بهداشتی تعریف چندانی نداشت. کمپ است دیگر، خانه پدر و مادر نمی‌شود که.»

آنها بعدها از دیگران شنیدند که در کمپ «۵۶ یا ۶۰ نفر» حضور داشتند. آسیه وطنی می‌گوید: «حرف و حدیث زیاد داریم؛ ۳۶ تا از بچه‌های ماسوختند و ۱۶ نفر هم‌مجرور داشتیم.» خانواده‌ها شکایت کردند: «با پار رفتیم دادگاه، بار دوم هم رفتیم، دیدیم آن‌هایی که مقصر بودند، تبرئه شدند. بهزیستی تبرئه‌شد. «مسئول کمپ ۲۵ روز بعد از فاجعه، در زندان فوت کرد. مادر مهراب می‌گوید: «فکر می‌کنیم اگر پایش به دادگاه می‌رسید همه‌چیز را می‌گفت. مقصر اصلی هم که آتش افروز بود فعلاً در زندان است.» به گفته او، متهم اصلی گفته

فراخوان مزایده عمومی



شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور

(سهامی خاص)

شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور در نظر دارد مزایده بهره برداری از فضاهای ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و طی تشریفات قانونی مزایده به اشخاص (حقیقی، حقوقی) واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده در دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.
تاریخ انتشار مزایده در سامانه ۰۹/۰۹/۱۴۰۴ می باشد.

ردیف	موضوع مزایده	شماره فراخوان	مبلغ پایه مزایده	مبلغ تضمین شرکت در مزایده	مدت بهره برداری	نام مجموعه
۱	۲۳ باب زمین های تنیس شامل شش باب زمین های تنیس بانوان، شش باب زمین های تنیس جنب اسکیت و یازده باب زمینهای تنیس جنب بلوار مجموعه ورزشی انقلاب بهمراه حق امتیاز تبلیغات داخلی	۵۰۰۴۰۰۵۰۹۱۰۰۰۰۱۴	۱/۶۹۷/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	(یک تریلیون و ششصد و نود و هفت میلیارد و چهارصد میلیون ریال)	سه ساله	مجموعه ورزشی انقلاب
۲	سالن بدنسازی دو منظوره آقایان و بانوان	۵۰۰۴۰۰۵۰۹۱۰۰۰۰۵۵	۲۲۳/۶۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	(بیست و سه میلیارد و ششصد و چهل میلیون ریال)	یکساله	مجموعه ورزشی شهید شیرودی
۳	فروش ضایعات و اقلام مازاد	۱۰۰۴۰۰۵۰۹۱۰۰۰۰۱۱	۲۵/۶۲۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال	(بیست و پنج میلیارد و ششصد و بیست و نه میلیون ریال)	فروش	مجموعه ورزشی شهید شیرودی

۱- نام و نشانی مزایده گزار: شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور به آدرس: تهران، ابتدای اتوبان آیت اله هاشمی رفسنجانی، مجموعه ورزشی انقلاب
تلفن: ۲۶۴۱۶۲۲۷ (۰۲۱)

۲- نوع تضمین شرکت در مزایده: به صورت یکی از موارد ذیل: الف. ضمانت نامه بانکی معتبر/ ب. وجه نقد واریز به شماره حساب شبا ۰۲۶۳۷۵۰۰۲ IR۳۷۰۱۰۰۰۴۰۰۵۸۰۰۰۵۸ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده هزینه‌ای شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور (مشخصات شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور: کد اقتصادی ۴۱۱۱۱۱۶۷۸۳۷- شناسه ملی ۱۰۵۸۵۵۵۵۵۵- شماره ثبت ۱۱۱۸۳۵)

۳- مهلت زمان دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد: از روز یکشنبه مورخ ۰۹/۰۹/۱۴۰۴ تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۰۹/۱۶/۱۴۰۴ و آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: ساعت ۱۳:۰۰ عصر روز چهارشنبه مورخ ۰۹/۲۶/۱۴۰۴ می باشد.

۴- زمان بازگشایی پاکات: پیشنهادهای واصله در ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۰۹/۱۹/۱۴۰۴ در جلسه کمیسیون مزایده در مجموعه ورزشی انقلاب (تالار نصرت) از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir باز خوانده می‌شود.

۵- متقاضی شرکت در مزایده می بایست مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱ میلیون ریال (یک میلیون ریال) به شماره حساب ۰۰۰۵۸۰۳۸۱۴۹۹۲ نزد بانک مرکزی جهت خرید اسناد مزایده بپردازد.

۶- اطلاعات تماس مزایده گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مزایده: شماره تماس امور قرارداد های جاری ۲۶۴۱۶۲۲۷ (۰۲۱)

۷- زمان و محل ارائه پاکت الف: اصل ضمانتنامه معتبر شرکت در فرآیند ارجاع کار تا ساعت ۱۵:۰۰ روز چهار شنبه مورخ ۰۹/۲۶/۱۴۰۴ به دستگاه مزایده گزار به آدرس تهران - خیابان ولیعصر (عج) - ابتدای اتوبان آیت اله هاشمی رفسنجانی (نیایش)- مجموعه ورزشی انقلاب- ساختمان شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی دبیرخانه تسلیم نموده و رسید آن را دریافت نمایند.

۸- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴۴-۰۲۱

سامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت (ستاد) www.setadiran.ir

► بازگشایی پاکات با بیش از یک مزایده گر انجام خواهد شد.

► درج این آگهی هیچگونه تعهدی برای دستگاه مزایده گزار ایجاد نمی نماید.

► شرکت در قبول و یا رد همه یا هر یک از پیشنهاد های واصله مختار خواهد بود.

► جهت اطلاع بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس: <http://iets.mporg.ir> و یا به سایت شرکت توسعه و نگهداری اماکن

ورزشی به آدرس www.tanavar.ir مراجعه نمایند.

شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور

دوشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۹۴۵
www.hammihanonline.ir

یادداشت

اصلاحات تدریجی یا تغییرات بنیادین در آموزش و پرورش

علی بهشتی‌نیا

کارشناس آموزشی

در چنددهه اخیر، آموزش و پرورش ایران صحنه‌ی کشمکش میان دو رویکرد مدیریتی بوده است؛ اصلاح‌طلبی تدریجی و تغییرات سریع ساختاری. تجربه‌ی تاریخی نشان داده است، در دوره‌هایی که دولت در دست اصلاح‌طلبان بوده، روند تغییرات اگر چه عقلانی‌تر، همراه با گفت‌وگو و وفای بیشتر بوده، اما سرعت و عمق اصلاحات به‌نفع معلمان، دانش‌آموزان و بدنه‌ی آموزش و پرورش بسیار گُند بوده است. در مقابل در دولت‌های اصولگرا، سرعت تصمیم‌گیری و تغییرات در سطح مدیریتی بالاتر بوده، اما جهت این تغییرات اغلب در مسیر آموزش ایدئولوژیک، حذف نیروهای متخصص و تضعیف نهادهای حرفه‌ای آموزش قرار گرفته است. مفهوم «وفاق» در تئوری سیاسی این‌روزها را می‌توان به‌عنوان راهی برای پرهیز از تنش‌های اجتماعی، سیاسی و اصلاحات تدریجی تعریف کرد.
امادر ساختارهایی که ناکارآمدی مزمن و منافع گروهی ریشه‌دار است، اصلاحات تدریجی می‌تواند به ابزار حفظ وضع موجود تبدیل شود. در حوزه آموزش و پرورش و در چنین شرایطی، هرگونه تغییر آهسته به‌جای تغییرات و تحولات پایدار، به‌تعویق انداختن بحران و نوعی فرصت‌سوزی است.
اصولاً اصلاحات تدریجی، با خود طبقه‌ای از ذی‌نفعان جدید ایجاد می‌کند، میدان، کارشناسان و مشاورانی که در این طیف قرار می‌گیرند عموماً رده‌های میانی سیاسی هستند که از فرایند گُند تغییر، نفع می‌برند. آنها آگاهانه یا ناآگاهانه، در برابر تغییرات بنیادین مقاومت می‌کنند، زیرا منافع شغلی و گاهی سازمانی و سیاسی خود را در خطر می‌بینند. بدین ترتیب اصلاح‌طلبی تدریجی ممکن است به پارادوکسی تبدیل شود که در آن، اصلاح‌طلبان خود به مانع اصلاحات تبدیل شوند.
باتوجه به عمق بحران در آموزش و پرورش ایران از وضعیت معیشت معلمان تا افت کیفیت آموزشی و گسترش نابرابری آموزشی اصلاحات کند عملاً فرصت‌سوزی است. آموزش و پرورش نهادی است که زمان در آن معنا دارد؛ هر سال تأخیر در اصلاحات ساختاری، نسلی را از فرصت رشد و عدالت آموزشی محروم می‌کند. همچنین تغییر سینوسی و افت‌وخیز تغییرات در رفت‌وبرگشت اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در عرصه قدرت نیز سبب‌شده آموزش و پرورش از مسیر توسعه دور بماند. در شرایط فعلی که ستون فقرات نظام آموزشی یعنی معلمان و دانش‌آموزان در میان چرخ‌دنده‌های ناکارآمد آموزش و پرورش، فرسوده و خرد می‌شوند؛ حتی توجه ویژه رئیس‌جمهور، بدون سرعت و شجاعت کافی تأثیرگذار نخواهد بود.
اصلاحات تدریجی زمانی کارآمد است که در بستری از شفافیت، پاسخ‌گویی و هدف‌گذاری روشن انجام‌شود؛ در غیر این‌صورت، تنها به ابزاری برای حفظ وضعیت موجود و ائتلاف سرمایه انسانی آموزش و پرورش تبدیل خواهد شد. انتظار می‌رفت و می‌رود وزرای اصلاح‌طلب، به‌جای اکتفا به نمادهایی چون وفای و اصلاحات تدریجی، با همان سرعتی که وزرای اصولگرا در تغییرات سیاسی عمل می‌کنند، در جهت منافع معلمان، دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت آموزشی اقدام کنند و در زمان باقی‌مانده تصمیم‌های بزرگی برای نجات آموزش و پرورش بگیرند. فراموش نکنیم آینده آموزش و پرورش، آینده سرزمین ما «ایران» است.

خبرسازان

آخرین وضعیت توزیع شیر خشک

رئیس انجمن تولیدکنندگان شیر خشک نوزاد گفته است که مشکل اصلی کمبود، کمبود مواد اولیه و تأخیر در تخصیص ارز است. به گزارش ایسنا، هانی تحویل‌زاده درباره علت کمبود اخیر شیر خشک در داروخانه‌ها توضیح داد: «مشکل اصلی کمبود، کمبود مواد اولیه و تأخیر در تخصیص ارز است. روند تخصیص و ارسال ارز از هفته گذشته آغاز شده و انتظار می‌رود طی یک‌ماه ونیم تا دو ماه آینده، کمبود موجود برطرف شود.» او در پاسخ به این پرسش که میزان تولید فعلی چقدر کمتر از نیاز بازار است، گفت: «در حال حاضر حدود یک‌ونیم تا دو میلیون قوطی کمتر از تقاضای واقعی تولید داریم، اما با تسریع در روند تأمین ارز، تولید به‌تدریج به حالت عادی بازمی‌گردد.» تحویل‌زاده درباره میزان کاهش تولید نسبت به مدت‌مشابه بیان کرد: «آمار دقیقی در این زمینه ندارم. در شش ماهه نخست سال افزایش تولید داشتیم، اما به‌دلیل افزایش بدهی شرکت‌ها و محدودیت‌های اعتباری، در ادامه با کاهش مواجه شدیم که اکنون در حال جبران است.» به گفته رئیس انجمن تولیدکنندگان شیر خشک نوزاد، با آغاز روند ارسال ارز برای مواد اولیه، کمبود شیر خشک در بازار موقتی است و طی یک تا دو ماه آینده برطرف خواهد شد.